



چگونه ایران بر طراحی ۱۰ سرویس اطلاعاتی دشمن ورقیب غلبه کرد؟

آسان به دست نیامد...

سرمقاله



آنچه در ماجرای ۱۸ و ۱۹ دی رخ داد، چیزی فراتر از تروریسم بود. دشمنان ایران با یک طراحی گسترده و همه جانبه و با سوء استفاده از اعتراضات اقتصادی، یک جنگ خیابانی و کور را به راه انداختند؛ جنگی که در آن ۲۴۲۷ جان عزیز فدا شد و ایران را داغدار و عزادار کرد. طراحی این عملیات به ماه ها قبل بازمی گردد. بررسی های یک نهاد اطلاعاتی نشان می دهد وقتی دشمن در جنگ ۱۲ روزه ناکام ماند و از شرارت و جنایت خود در حمله نظامی به ایران طرفی نیست، «اتاق فرماندهی دشمن» برای انجام اقدامات تروریستی در ایران از ۱۰ سرویس اطلاعاتی متخاصم و رقیب - و بلافاصله پس از جنگ ۱۲ روزه - تشکیل شد.

بررسی اسناد و اطلاعات به دست آمده از این اتاق فرماندهی نشان می دهد «آشوب داخلی، مداخله نظامی و تحرک گروهکی» اضلاع عملیات آن ها برای خلق لحظه تهدید موجودیتی علیه ایران بزرگ به شمار می رفته است. نیروهای حافظ امنیت به قیمت جان خود در برابر این طراحی شوم و پیچیده ایستادگی کردند؛ چرا که وضعیت غبار آلود و مبهم بود. عمده معترضان هنوز نمی دانستند که دشمن چه خوابی برای خیابان دیده است و نقاب دارانی که در کنار آنان هستند، مأموریتی خطرناک دارند؛ یعنی «کشته سازی»! برای این مزدوران و تروریست ها فرق چندانی نداشت که خون چه کسی را بر زمین بریزند؛ از نیروهای انتظامی و امنیتی و بسیجیان گرفته تا مردم عادی و حتی همان معترضان. باید خشونت به حد اعلی می رسید، چرا که پروژه نیاز به خون داشت.

رسانه های دشمن در یک عملیات هماهنگ و فراگیر، از روزها قبل بستر را فراهم کرده بودند. از سویی آموزش آشوب و تخریب می دادند و از سوی دیگر تهییج می کردند و براندازی را به مثابه رویایی آسان و در دسترس به غافلان و خوش خیالان می فروختند. اکثریت نامایی، ضلع دیگر مأموریت آنان بود. باید چنین وانمود می شد که قاطبه مردم با این جریان و حباب ساختگی همراه هستند و هرکس همراه نیست، در اقلیت محض است و باید از همراه نبودنش شرمسار باشد و فردا پاسخگو!

غلبه بر این طراحی پیچیده آسان نبود و پیروزی در این معرکه آسان به دست نیامد. بهای آن جان صدها نفر بود که بسیاری از آنان حتی با دست خالی به میدان رفته بودند، چرا که طرف مقابل خون می خواست و مدافعان امنیت می دانستند هر قطره خون، آسیاب دشمن را می چرخاند و لبخند بر لب طراحان واقعی ماجرا می نشاند. شهادت مظلومانه این فرزندان ایران که در بسیاری از موارد با سببیت داعشی وار تروریست ها همراه بود، ناشی از همین وضعیت بود. پیروزی در این میدان به بهای ایثار و شهادت چنین مردانی رقم خورد. خون پاک این عزیزان و مردمانی که قربانی این جنگ تروریستی شدند، آن سیل میلیونی جمعیت را در ۲۲ دی در تهران و صدها شهر دیگر کشور به راه انداخت تا واقعیت صدای مردم ایران را به گوش همه برسانند؛ اینکه اگر چه این ملت زخم خورده و داغدار است، اما هوشیار و استوار ایستاده است. ■

پیام صوتی یک هموطن ایرانی خطاب به نیروهای مسلح ایران	ایران اسلامی. برای رهبر عزیزم، برای نیروهای مسلح و دلاور میهنم، و برای ذره ذره خاک کشورم دعا می کنم و خوب می دانم ما ملت امام حسینیم و ایران حسین تا ابد پیروز است.	الله اکبر! این صدای ملت قهرمان ایران است. نیروهای مسلح و شجاع کشور عزیزم ایران، هزاران درود بر شرفتان که جانانه در مقابل کفر ایستاده اید. کفر با تمام قوا به میدان آمده، و این یعنی عظمت	این صدای ملت ایران است
--	--	---	-------------------------------

تحلیل

هدف: تکه تکه کردن ایران

رژیم صهیونی در دشمنی با ملت ایران از جمهوری اسلامی هم عبور کرده. هدف نهایی براندازی جمهوری اسلامی هم نیست. آنها چیزی را هدف گرفته اند که برای تحقق آن باید از جمهوری اسلامی عبور کنند: تکه تکه کردن ایران! چندی پیش یکی از رسانه های نزدیک به مقامات رژیم در یادداشتی تحلیلی به بررسی آینده ایران پسا جمهوری اسلامی پرداخته بود. از دید این رسانه صهیونیستی، ایران نه یک دولت-ملت بلکه متشکل از چند دولت-ملت است. نویسندۀ متن تأکید کرده بود بعد از براندازی جمهوری اسلامی باید سهم هر یک از این دولت-ملت ها محفوظ باشد. این عبارت هایک معنا بیشتر ندارد: پس از جمهوری اسلامی باید سراغ تکه تکه کردن ایران رفت. ایده آل صهیونیست ها تکه تکه کردن ایران است. در عمل اگر موفق به این طرح نشوند طرح بعدی روی کار می آید: تبدیل کردن ایران به کشور ضعیف با یک دولت مرکزی ضعیف تر که امکان اعمال حاکمیت و اقتدار نداشته باشد چیزی مشابه وضعیتی که سوریه امروزی دارد. پروپاگاندا ی تبلیغی صهیونی علیه جمهوری اسلامی، طرح فریب اسرائیل است. مشکل اصلی آنها با مفهومی بزرگ و یکپارچه به نام ایران است. از این جهت همراهی با صهیونیست ها همراهی با ضد ایرانی ترین طرح این سال هاست.

قاب

تجلیل از تازه ترین جانبازان کشور

همزمان با سالروز میلاد حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام و روز جانباز، نمایندگان ی از طرف رهبر معظم انقلاب اسلامی با حضور در برخی بیمارستان ها از جانبازان اغتشاش ها و عملیات تروریستی اخیر نیز عیادت کردند.



عکس: KHAMENEI.IR

فرزند ایران

سید خدوم

از دوستان شهید بود.

جوانی که همراه خیل جمعیت، برای بدرقه ی شهید آمده بود. چهره اش خسته بود، اما نگاهش قوی.

خودش را معرفی کرد؛ سجاد. گفت: «(امیرحسین مرد سکوت بود. از اون هایی که اهل پز و خودنمایی نبود. همیشه مسئولیت پذیر بود)».

شهید سیدامیرحسین خادمی، از کارکنان جوان و وظیفه شناس زندان اوین، کارمندی متعهد و خدوم بود.

جوانی برومند، که اهل شهرستان نظرآباد استان البرز بود و سال ها در سنگر خدمت به امنیت داخلی کشور فعالیت کرد. و سرانجام در مسیر پاسداری از آرمان های انقلاب اسلامی و دفاع از عزت و استقلال ایران اسلامی، جان خود را تقدیم راه حق کرد.

او در دوم تیرماه ۱۴۰۴ در پی حمله جنایت کارانه و ناجوانمردانه رژیم کودک کش صهیونیستی به زندان اوین به فیض عظیم شهادت نائل آمد.

در موج تشییع با شکوه مردم ولایت مدار نظرآباد، پیکر شهید «خادمی» در کنار دیگر شهدای گلگون کفن این دیار، در گلزار شهدای این شهر، آرام گرفت. ✍ محیا عبدلی